

عوامل تهدید سطح و کیفیت جنگل‌های گیلان

با توجه به گرم شدن هوا و بالا رفتن دما در جهان و نیز در محدوده جغرافیای ایران، تهمین‌شمشادی* امروزه آتش‌سوزی در جنگل‌های سه

استان گیلان، مازندران و گلستان از تهدیدات جدی جنگل به شمار می‌آید که با توجه به امکانات بسیار محدود سازمان جنگل‌ها و مراتع در بحث مهار آتش و همچنین مشکلات و موانع طبیعی موجود، آمار از بین رفتن جنگل بسیار بالا و در حد فاجعه است.

در واقع روند تخریب منابع طبیعی به ویژه جنگل‌ها و مراتع، امروزه در کشور بسیار نگران کننده و بحرانی است. از طرفی با توجه به این‌که تدابیر جدی برای مبارزه با آفات اندیشیده نشده است، این آفات و بیماری‌ها، گونه‌های منحصربه‌فرد جنگل‌های گیلان را تهدید می‌کند. از سویی دیگر بهره‌برداران مختلف از جنگل‌ها با بهره‌برداری‌های ناپایدار در کاهش سطح جنگل و کیفیت جنگل نقش بسزایی دارند که شرح آن خارج از این فرصت است. مورد دیگر بحث قاچاق چوب است که هزارگانهی اخبارش را در جای‌جای استان می‌شنویم و متأسفانه هنوز دست متعرضان و متجاوزان به جنگل کوتاه نگشسته و همچنان

تهدیدی برای تخریب جنگل‌ها هستند. احداث سد‌های غیرضروری و بدون مطالعه، توسعه فاقد برنامه‌فعالیت‌های عمرانی، راهسازی و جاده‌سازی متدد، وجود دام مازاد در جنگل، بخشی‌نگری دستگاه‌های متولی، چسرای بی‌رویه دام و حضور دام در جنگل‌ها و همه و همه، تهدید مستقیم هم دادند تا روند تخریب جنگل را سرعت بخشند. امیدواریم دولت با استفاده از مشارکت سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌ها و مردم و همچنین با عزمی جدی از این روند جلوگیری کند. جنگل‌های شمال ایران معروف به فسیل‌های زنده‌اند چرا که این تپج جنگلی به دلیل نگهدارندن دوره یخبندان در دوران سوم زمین‌شناسی در سطح دنیا، منحصربه‌فرد و بی‌نظیر است.

برای حفظ و نگهداری از این امانت الهی و برطرف نمودن تهدیدات، نیاز به ساز و کارهای سازمانی، حاکمیتی و مالی است تا سازمان‌های متولی با پروژه‌های حمایتی، استراتژی چندساله به جنگل‌های شمال بدهند تا بتوانیم این امانت را به نسل‌های آینده بسپاریم.

***عضو هیات مدیره جمعیت زنان و جوانان حافظ محیطزیست گیلان**

ادامه از صفحه ۲

وقت قانون‌مداری است

حکایت از چه کنم که سینه درد این‌جاست. گفتیم صبر می‌کنیم، کاری که خوب بلد بودیم. تا هنوز هم صبر کرده‌ایم. صبر کرده‌ایم و آرام دوشادادوش نورسته‌ها و تازه واردها واگویم مشکلات می‌کنیم، ساختمان‌های پنج طبقه و شش طبقه را زیر و رو کردیم. تماس‌های پی‌درپی، دیدارها و جلسات یکی پس از دیگری، از مقامات و مسئولین تا فعالین سیاسی استان و معاونین و کارکنان فرهنگی وزارت بهداشت، گوش‌هایی که با آرامش درد دل‌هایمان را شنیدند و با دستانی پر از امید و با حرف‌هایی دلگرم‌کننده راه‌حل مشکل را به ما نشان می‌دادند، حامی و تائید کننده مسیری بودند که آمدیم و در آخر هم قول پیگیری مشکلات را دادند. یعنی خواستند درخواستی مجدد بدهیم تا مسایل و سوتفاهم‌ها برطرف شود. در روزهایی که رسا گفتیم و می‌گویم ما دانشجویم و پویایی دانشگاه حق ماست، نمی‌گذاریم و نخواهیم گذاشت قانون بی‌ارزش شود. حالا امیدوارتر از تمام روزهای ما گذشته،

به نماینده دولت تدبیر و امید در دانشگاه علوم پزشکی گیلان، پروفیسور انوش برزگر چشم امید دوخته‌ایم تا در دولت راستگویان و قانون‌گرایان، همان دولتی که برای روی کار آمدنش خون دل خوردیم، مطالبات قانونی و ابتدایی‌مان را به دست آوریم. عمده دوران دانشجویی ما به سکوت گذشت و حالا تنها میراث ما قدیمی‌ترها در این ماه‌های آخر دانشجویی، برای دانشجویان تازه وارد و نسل آینده دانشگاه علوم پزشکی گیلان، شاید یک کلمه باشد: قانون.

***عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان**

محیط زیست

فرهیختگان گیلان از وضعیت تخریب جنگل‌ها گزارش می‌دهد:

چه کسی جنگل را کشت؟

فرهیختگان گیلان: سراسر دامنه جنوبی

البرز در امتداد دشت گیلان از پوشش جنگلی انبوه برخوردار است. جنگل‌های شمال با مساحت ۱۸۵ هزار کیلومترمربع در برخی نقاط، از دست‌ها و حتی کناره‌های دریای کاسپین نیز به چشم می‌خورد و برحسب ارتفاع از سطح دریا دارای مشخصات متفاوتی است. این جنگل‌ها از آستارا در شمال غربی استان گیلان تا گلی‌داغ در شرق استان گلستان، به طول تقریبی ۸۰۰ کیلومتر و عرض ۲۰ تا ۷۰ کیلومتر امتداد دارد که قدمت جنگل‌ها به بیش از یکمیلیون سال قبل برمی‌گردد. استان گیلان دارای ۲۴۴ هزار و ۹۸۶ هکتار عرصه مرعی است و جنگل‌های شمال به دلیل تراکم بالای درختان و قابلیت تولید چوب بالا، تنها عرصه جنگلی کشور است که می‌توان با رعایت موازین علمی و بدون تخریب جنگل، از آن چوب برداشت کرد. اما شاید همین مساله و وسعت دشتهای مجاور جنگل‌ها باعث شده است که سکونت خانوارهای جنگل‌نشین در جنگل‌های گیلان به‌تنهایی عامل ۴۵ درصد تخریب جنگل‌ها باشند. بر اساس آمارهای رسمی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گیلان در ۵۶۵ هزار هکتار از جنگل‌های گیلان، ۲۲ هزار و ۴۶۷ خنوار جنگل نشین به همراه یکمیلیون و ۱۷۰ هزار واحد دامی زندگی می‌کنند که در ۹ ماه فصل چرا به جنگل‌های گیلان خسارت وارد می‌کنند. سالانه حداقل یکمیلیون و ۶۸۵ هزار مترمکعب چوب از جنگل‌ها توسط این خانوارها برداشت می‌شود.

در سال‌های گذشته آتش‌سوزی، تغییر کاربری زمین، جاده‌سازی و برداشت‌های بی‌رویه چوب از مهم‌ترین علل‌های از بین رفتن جنگل‌ها و مراتع بوده است. در چنین شرایطی، خودبه‌خود چوب آب ورودی مجلس شورای اسلامی در سال‌های اخیر، بعضا موجب دامن زدن به این روند شده است. از جمله لایحه جامع منابع طبیعی که به گفته علی سلاچقه، رییس پردیس منابع طبیعی دانشگاه تهران، در حال حاضر جنگل‌ها تنها ۷ درصد واگذاری عرصه‌های ملی بوده است. پروژه‌های عمرانی نظیر سدسازی و راهسازی دولت قبل به قیمت نابودی جنگل‌ها و موجب افزایش سطح فعالین محیط‌زیست شده است. از آنجایی که جنگل‌ها تنها ۷ درصد حجم کل کشور را به خود اختصاص دادند و این در حالی است که ایران یک کشور خشک و نیمه‌خشک و اکنون نیز وارد دوره سی‌ساله خشکی شده است. در شرایطی که فلات مرکزی از نظر بحران آب از خطوط قرمز عبور کرده و جنگل‌های شمال تنها عامل کاهش دهنده دمای هوای کشور هستند، با تعریف پروژه‌های



عمرانی غیرضروری و بدون توجه علمی و فنی، شاهد نابودی آنها بودیم. سدهای کنسلیان در مازندران، سد شرفرود و پلرود در استان گیلان جزو پروژه‌هایی هستند که با تخریب بالای جنگل‌ها همراه شده‌اند. هرکدام از این سدها که چیزی بیش از ۳۰۰ هکتار جنگل را از بین بخواهند برد، چه با توجه‌تأمین آب کشاورزی و چه با توجه‌تأمین آب شرب، توسط بدنه کارشناسی کشور جزو پروژه‌های مردود هستند. به گفته دکتر فیصلی‌زاده‌مدیر پروژه پایلوت تطبیقی تالاب انزلی، با نابودی این جنگل‌ها و کاهش حجم آب ورودی به سفره‌های آب زیرزمینی، آب‌های شور از لایه‌های زیرزمینی پیشروی کرده و منجر به شور شدن زمین‌های کشاورزی خواهند شد. علاوه بر آن شروع حذف درختان بر دبی آب چشمه‌های بالادست تاثیر خواهد گذاشت و خودبه‌خود موجب آب ورودی به دریاچه این سدها کاهش خواهد یافت. مساله قابل بررسی دیگر این است که پس از آبخیزی، با بازگشت نور توسط آب به سمت آسمان، ابرهای باران‌زا پراکنده خواهند شد و میزان بارش باران در سال‌های آتی نیز کاهش می‌یابد. دلایل فنی و کارشناسی زیادی موجب مردود بودن تفکر سدسازی‌های غیرضروری در استان‌های شمالی می‌شوند. اما این‌که چرا نمایندگان این استان‌ها همچنان اسرار بر ادامه این سدسازی‌ها دارند قابل تامل است. این سدها احتمالا منافع کسانی را تأمین خواهد کرد که وعده و شعار ساخت سد بدون عارض و نتایج دراز مدت آن داده‌اند.

علی‌رغم پایان یافتن مناقشه چهارساله برای احداث بلندترین سد کشور در پر حاشیه‌ترین جلسه کمیته ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در سازمان محیط‌زیست

منافع ملی را قربانی سود چند شرکت نکنیم

سازمان جنگل‌ها بالارود و در کنارش همان‌طور که اشاره کرد مردم بیشتر در بحث نگهداری از جنگل‌ها مشارکت داشته باشند، می‌توانیم به توفیقاتی در این زمینه دست پیدا کنیم. درواقع با طرح تنفسی که دولت برای برداشت از جنگل داده کلما موافق هستیم. منافع ملی بر منافع یکی دو شرکت ارجحیت دارد و نمی‌توانیم منافع ملی و مردم را قربانی منافع و سود آن شرکت کنیم و بهجای سیاست‌های ملی کلان، دنبال اجناس برنام‌های آنان باشیم. آنها می‌توانند در این مدت چوب وارد کنند یا از جنگل‌های دست‌کاشت برداشت کنند. اتفاقا درآمد حاصل از این‌فعالیت‌ها سود سرشاری برای آنها دارد. در واقع این طرح بر اقتصاد ملی و اقتصاد مردم محلی اثر چندانی ندارد مگر آن زمان که به شرکت‌ها مجوز می‌دانند

به داد جنگل‌های شفارود برسید

حاضر بهترین جنگل‌های ایران در حوزه شرکت شفارود است. درحالی‌که ما مرتب برداشت کرده‌ایم و هرسال به‌طور متوسط ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار مترمکعب در طول تاریخ عمر این شرکت برداشت شده است. اما چرا این جنگل‌ها بهترین هستند؟ چون ما درختی را برداشت



نمی‌کنیم، مگر نهال جدیدی به‌جای آن بکاریم. از همه مهم‌تر این نکته است که ما از جنگل‌ها صیانت و حفاظت می‌کنیم. علم جنگل می‌گوید درختی که به سن دیرزستی رسید، باید برداشت شود و اگر برداشت نشود آلوده‌کننده محیط‌زیست است. زیرا

کربن را نمی‌گیرد و ضرر رسان است.

■ شما مشخصا چه انتقاداتی از طرح اخیر سازمان محیط‌زیست دارید؟
در این طرح که در ۹۲/۱۰۱۶ به تصویب هیات دولت رسید، به صراحت در تبصره یک ماده دو ذکر شد که وزارت جهاد کشاورزی موظف است به اتفاق سازمان محیط‌زیست و وزارت صنایع و معادن و همچنین معاونت شورای راهبردی ریاست جمهوری، ظرف یک سال سنادهای تشکیل‌دهنده تا راهکارهای اجرایی این مساله را عملیاتی کنند. در حالی‌که هنوز این ستاد تشکیل نشده، متأسفانه اداره کل بازرسی استان این مصوبه را برای اجرا به سازمان‌های ذی‌ربط

دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۹۳ | شماره ۱۴۵۷ | ویژه گیلان

فرهیختگان گیلان از وضعیت تخریب جنگل‌ها گزارش می‌دهد:

چه کسی جنگل را کشت؟

قبل، احداث این جاده جدید نیز توجه منطقی ندارد، مگر اهدافی نظیر تولید چوب و… .

نکته جالب توجه در این میان، آن است که نمایندگان فعلی مجلس در استان‌های شمالی، جزو اصلی‌ترین عوامل پیگیر این پروژه‌ها به حساب می‌آیند. طرح ادغام دو سازمان محیط‌زیست و جنگل‌ها جزو طرح‌های کاملا غیرحرفه‌ای و سوال برانگیز بررسی شده در این دوره مجلس محسوب می‌شود. چرا که با ادغام دو سازمان نظارتی و اجرایی، دریافت مجوز بسیاری از این پروژه‌ها سهل‌تر خواهد بود. بحث تفحص از سازمان جنگل‌ها نیز، توسط نماینده‌ای مطرح شد که خود پیگیر حذف درختان منطقه شفارود برای تأمین منابع مورد نیاز کارخانه چوکا است. دکتر علی سلاچقه در مورد این پروژه‌ها به «فرهیختگان گیلان» می‌گوید: اگر ما برنامه مدیریت جامع مناطق آبخیز را به‌درستی تنظیم و اجرا کنیم، برای تمام سازمان‌ها برنامه‌ها درازمدت تعریف خواهد شد که خارج از این برنامه‌ها هیچ طرحی امکان اجرایی شدن نخواهد داشت. وی همچنین مساله بحران آب در کشور را فراتر از هشدار دانست و تأکید می‌کند، در برنامه‌های وزارت نیرو آب باید به‌عنوان یک کالای اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. او سدسازی را یکی از شاخصه‌های توسعه کشور‌ها می‌داند اما با اشاره به تغییر نگاه جوامع توسعه‌یافته، می‌گوید که نگاه دنیا نسبت به این مساله تغییر کرده و معتقد است سدسازی شیوه‌ای برای فلج کردن یک اکوسیستم است. سلاچقه همچنین توسعه‌ای که تنها با سلیقه افراد خاص صورت بگیرد را منجر به نابودی یک سرزمین و غیرقابل جبران می‌داند. از نظر او منابع طبیعی یک موضوع فرابخشی است نمی‌تواند به‌عنوان زیرمجموعه یک وزارت‌خانه‌ای که خود کاربر منابع طبیعی است دیده شود. وی همچنین تأکید می‌کند سدسازی در استان‌های شمالی باعث فلج شدن بیکره حوزه آبخیز خواهد شد.دکتر مجید مخدوم پدر علم ارزیابی نیز در این مورد به «فرهیختگان گیلان» می‌گوید: سدسازی تنها یک نان‌دانی با نام و پوشش توسعه‌است که از کنار آن عده‌ای خاص پولدارتر و قدرتمندتر و مردمان بومی صعیف‌تر و آسایش‌پذیرتر خواهند شد. از نظر بسیاری از دست‌اندر‌اجرای و نمایندگان مجلس، منابع طبیعی حکم جیبی را دارد که هر لحظه اراده کنند از آن هزینه خواهد کرد اما از بین رفتن جنگل‌ها و تشدید خشکی‌ها، دو مساله توانمند هستند که با مدیریت ناکارآمد و تشدید بحران‌ها در استان‌های شمالی کشور در حال تبدیل شدن به یک فاجعه غیرقابل جبران هستند.

جاده جدید پونل به خلخال که با مجوز سازمان جنگل‌ها در حال اجراست منجر به از بین رفتن حجم زیادی از جنگل‌های طبیعی و دست‌کاشت منطقه خواهد شد. حال آن‌که با وجود یک جاده عبوری از

تا برداشت بی‌رویه‌کنند، اقتصاد مردم متحول شد؟ یک

عده سودجو تنها منافع خود را می‌بینند. برداشت‌هایی که اتفاق می‌افتد بی‌رویه است و سیلاب‌هایی که ایجاد می‌شود و گرفتاری‌هایی که به دنبالش برای مردم به وجود می‌آید، ناشی از همین برداشت‌های غیرمعارف و بی‌رویه از جنگل است. ما با برداشت چوب از جنگل مخالف نیستیم اما همان کسانی که برداشت کردند باید کاشت هم انجام می‌دادند که این کار صورت نگرفت. ما با برنامه‌های آنان باشیم. آنها می‌توانند در این مدت چوب وارد کنند یا از جنگل‌های دست‌کاشت برداشت کنند. اتفاقا درآمد حاصل از این‌فعالیت‌ها سود سرشاری برای آنها دارد.

در واقع این طرح بر اقتصاد ملی و اقتصاد مردم محلی اثر چندانی ندارد مگر آن زمان که به شرکت‌ها مجوز می‌دانند

به داد جنگل‌های شفارود برسید

ماشین‌آلات کشاورزی خوزستان، احتیاج به خام‌فروشی چوب نداریم. درحالی‌که در گذشته سیاست وزارت جهاد کشاورزی در شرکت شفارود فقط خام‌فروشی بود. بدون شک در عرض یک سال کل می‌توانیم شرایطی ایجاد کنیم که هم درآمد شرکت‌با کمک صنایع تبدیلی بالا رود و هم اشتغال ایجاد شود. قول می‌دهم به اندازه صنعت فولاد و بدون نیاز به تسهیلاتی که به ازای هر شغل به آن داده می‌شود، اشتغال ایجاد کنیم.

■ بنابراین معتقد هستید فایده‌ای در ادامه اجرای این طرح وجود ندارد؟

خیر. برای نمونه در ماده شش طرح آورده شده می‌توان درختانی که ریشه‌کن، افتاده یا شکسته هستند در برداشت کرد. درختان دیرزیست جنگل شفارود که در حال حاضر از درون می‌پوسند باید برداشت شوند. به خصوص در منطقه چوپر، درختان صنوبری برداشت می‌کنیم که سی سال از عمر آنها گذشته است. درحالی‌که حد متوسط برداشت صنوبر ۱۵ سال است و اکثرا هم از درون پوسیده شده‌اند. این‌ها سرمایه ملی است که خراب می‌شود. اگر درختان دیرزیست حوزه شفارود را به ما بدهند حداقل می‌توانیم ده سال از این سرمایه استفاده و از آفتابن خواستیم تا قبل از نهایی شدن مصوبه، بر اساس کتابچه‌ای که قانون بین ما و سازمان منابع طبیعی است مجوز ما را بدهند ولی تاکنون مجوز برداشت را نداده‌اند. من از همین رسانه قول می‌دهم اگر مجوز امسال باید ۲۵ قروان بگیریم ولی به دلیل کاهش در آلب منابع تبدیلی مانند پالت سازی چوبی، تولید ماشین‌آلات زیر پای و الوار به کار می‌بریم. با این صنایع می‌توان حتی نیاز برخی از استان‌های دیگر را برطرف کرد، به‌عنوان نمونه برای تهیه برخی از

هادی کیادلیبری، رییس انجمن جنگلبانی ایران:

جنگل کارگاه چوب‌بری نیست



چندی پیش عده‌ای از نمایندگان مجلس طرحی با عنوان «حفظ و صیانت از جنگل‌ها» پیشنهاد و هدف آن را حفاظت، جلوگیری از تخریب جنگل و قاچاق چوب مطرح کردند. در این طرح پیش‌بینی شده که هیچ درختی تا ۵ سال آینده از جنگل‌های کشور قطع نشود.. اما به تازگی این طرح توسط کمیسیون کشاورزی مجلس رد و این موضوع با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شد. اغلب کارشناسان منابع طبیعی رد چنین طرحی را تهدید جنگل‌های کشور می‌دانند. بر اساس تصویربرداری‌های هوایی مساحت جنگل‌های شمال ایران طی ۶۰ سال گذشته به کمتر از نصف رسیده است و سالانه یک تا دو درصد از مساحت خود را از دست می‌دهند. در این باره با دکتر هادی کیادلیبری رییس انجمن جنگلبانی ایران و رییس دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد تفت‌وگو کردیم که از افراد پیشناتر در بحث تشکیل وزارت منابع طبیعی و موافق ایده ممنوعیت بهره‌برداری به شکل چوب از جنگل‌های شمال، البته نه از راه‌حلی نظیر طرح ارایه شده از سوی سازمان محیط‌زیست و به صورت «انتقایی» و بدون در نظر گرفتن تبعات اجتماعی آن است.

■ شما جزموافقان سرخست ممنوعیت بهره‌برداری از جنگل‌های شمال به‌شمار می‌آید چرا؟

مخالفم تا ما بهره‌برداری به شکل چوب از جنگل است. حال آن‌که طرح‌های جنگلداری به معنای تولید چوب نیستند بلکه به معنای پرورش جنگل هستند. در حال حاضر بهره‌برداری از اساس کتابچه‌های طرح تولید چوب، چگونگی و میزان برداشت تعریف شده‌اند. در این کتابچه‌ها اهداف یکنه‌ای

تعریف شده، در حالی‌که طرح‌ها باید بر اساس ظرفیت اکولوژیکی تنظیم شود. در این کتابچه‌ها حوش، تنوع زیستی، ظرفیت ذخیره آب، ترسب کربن، تولید اکسیژن و … مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

■ مخالفان می‌گویند، در صورت تصویب این طرح، معیشت بسیاری از شرکت‌ها و مردم مجاور این جنگل‌ها دچار بحران خواهد شد، این نکته مقدر در طرح مذکور مورد توجه قرار گرفته است؟

من با قطع یکباره بهره‌برداری مخالفم. این طرح باید تدریجی و به مرور زمان اجرا شود تا در طول دوره‌ای که با کاهش بهره‌برداری را اعمال می‌کنیم، زمان پرورده سه ساله، بهره‌برداری برای تغییر انسانم‌شان به وجود آید. اگر در یک پروژه ده ساله، هر سال ۱۰ درصد از حجم بهره‌برداری کاهش یابد، خودبه‌خود بعد از پایان ده سال، بهره‌برداری نخواهیم طبق برآورد ما هزینه‌ای که دولت باید در قبال این کاهش حجم بهره‌برداری پرداخت کند حتی به اندازه بودجه یک تیم فوتبال متوسط هم نیست. در مورد کمیود چوب مصرفی هم ۱۰۰ هزار مترمکعب چیزی نیست که دولت قادر به وارد کردن آن نباشد. البته زراعت چوب هم مساله‌ای است که با فکر و برنامه‌ریزی صحیح قابل مدیریت است. اگر کار این‌جاست که هیچ‌یک از شرکت‌های بهره‌بردار و شرکت‌های وابسته به صنایع چوبی، تمامی برای پذیرفتن این ریسک ندارند و همه این هزینه‌ها خودبه‌خود به سازمان جنگل‌ها تحمیل می‌شود. نکته دیگری که وجود دارد این است که زراعت چوب باید با برنامه‌ریزی مدیکت به‌عنوان مثال هیچ کشاورزی حاضر به رها کردن کشاورزی با سوددهی کوتاهمدت و تبدیل آن به زراعت چوب به‌عنوان یک برنامه بلندمدت نیست.

■ رد شدن طرح ممنوعیت بهره‌برداری در مجلس، چه مشکلاتی در آینده به وجود خواهد آورد؟

البته طرحی که در مجلس آن مخالفت شد، توسط سازمان محیط‌زیست ارایه شده بود. در این طرح مقر بود بهره‌برداری تا ۵ سال کاملا ممنوع شود که یک یاد قبول کرد طرح غیر کارشناسی و غیر حرفه‌ای است. این حرکت یک حرکت کاملا انقلابی است که حتی می‌تواند موجب تشدید بحران باشد. سوال این‌جاست که اصلا بعد ۵ سال چه اتفاقی قرار است بیفتد؟ با مشکلات و تبعات اجتماعی که به وجود می‌آید چه باید کرد؟ اگر این طرح تصویب می‌شد قطعاً نتیجه آن شکست بود. دیگر حتی طرح کاهش تدریجی برداشت هم قابل اجرا نبود. هم اکنون در شهرستان تالش هر چه بیشتر به سمت بندر آستارا برویم، می‌بینیم که دیگر جنگلی باقی نمانده است. این‌ها مناطقی است که هرگز در آنها طرح نداشته‌ایم. اما به دلیل عدم وجود تعریف کاربری در خور، فشارهای وارد شده موجب از بین رفتن جنگل شده است. هر تصمیم فوری که در این مورد اتخاذ شود می‌تواند موجب دامن زدن تبعات اجتماعی شود.

■ وضعیت جنگل‌های شمال در حال حاضر با توجه به حساسیت‌هایی که اشاره کردید، چگونه است؟

تاسف‌بارا این چیزی نیست که در کوتاهمدت از بین رفته و در کوتاهمدت هم قابل مدیریت و جبران باشد. با ۵ سال تعطیلی برداشت چیزی تغییر نخواهد کرد. در تمام این سال‌ها، ما به شکننده شدن طبیعت دامن زده‌ایم. تنوع زیستی نابود شده است. این‌ها همگی چیزهایی است که باید روی مساله‌های آنها کار شود.

■ تاثیر گرمایش جهانی بر تشدید این بحران تا چه اندازه بوده است؟
قطعاً تاثیر زیادی داشته است، زمانی که جنگل‌ها توسط عوامل انسانی از پیچیدگی و آمیختگی خارج می‌شوند، اثرات شرایط سخت محیطی بیشتر خواهد شد. هرچه پیچیدگی اکوسیستم‌ها بیشتر باشد، اثر حفاظتی و حمایتی روی خوشان در مقابل عوامل خارجی بیشتر است. بنابراین با داخت‌ما معادلات به هم می‌خورد و خودبه‌خود در چنین شرایطی، واژه سیستم در کلمه اکوسیستم تعریف خود را از دست خواهد داد و اثر تغییر اقلیم بیشتر و بیشتر خواهد شد. در این مورد باید تمهیداتی صورت گیرد که موجب افزایش مقاومت توده شود. اکوسیستم‌ها شدیداً مستعد آسیب شده‌اند. اگر دقت کنید خواهید دید درختان شهری همیشه آفت‌زده هستند نسبت چرا که محیط تنک قرار گرفته‌اند. هندار می‌دهم که بحث تغییر اقلیم، یک میحث کاملا جدی است و باید در تمام برنامه‌ها لحاظ شود. ما باید ارجحیت اکولوژیکی را در نظر بگیریم.

■ بعضی از مقامات تصمیم‌گیر و اجرایی در استان‌های شمالی نظیر استاندار گیلان همواره به بحث توسعه اقتصادی استان تاکید دارند که بعضی فعالان محیط‌زیست در این‌باره آبراز نگرانی کرده‌اند که مسایل زیست‌محیطی در تصمیم‌گیری‌های توسعه محور نادیده گرفته شود.

روی هم سوار می‌شوند. هیچ کشوری با نابودی منابع طبیعی و محیط‌زیست به توسعه نرسیده است. کسانی که انسان را محور توسعه قرار می‌دهند باید بدانند در چرخه حیات، انسان‌ها بعد از گیاهان قرار می‌گیرند. چراکه ما از نظر اکولوژیکی به گیاهانی وابسته‌ایم که منشا حیات هستند. کل اختلافات ما پیرامون مساله سرمایه طبیعی می‌چرخد که شامل دو بخش است: منابع طبیعی و خدمات طبیعی. تولید اکسیژن، ذخیره آب و… جزو خدمات طبیعی هستند. در واقع ما منجر به استفاده از خدمات طبیعی بحث می‌کنیم که باید به‌عنوان منبع طبیعی و نهایتاً سرمایه طبیعی خواهد شد. تبعات از بین رفتن جنگل‌ها کاملا قابل مشاهده هستند. گرد غبارهای ایجاد شده که نتیجه آن را در فلات مرکزی مشاهده می‌کنیم، بحران که می‌رود تا قسمت زیادی از ایران را خالی از سکنه کند، افزایش دردهای خشکسالی و… همگی چیزهایی است که با ادامه توسعه نابخردانه تشدید خواهد شد. چه لزومی دارد که ما در بهترین مناطق جنگلی خود سد بسازیم، ساختن این سدها در آینده بحران را تشدید خواهد کرد و نه تنها مساله کم‌آبی در کشور حل نخواهد شد بلکه به این مساله دامن می‌زند. از بین رفتن جنگل‌ها و عقب‌نشینی آب‌های شیرین زیرزمینی، نهایتاً منجر به شور شدن زمین‌های کشاورزی در استان‌های شمالی خواهد شد. توسعه باید خردمندانه و بر اساس توان مناطق اتفاق بیافتد. باید همین‌جا صراحتاً بگویم که سدهایی مانند شفارود در تالش، سد خشکبچار و پل‌رود تنها باعث از بین رفتن جنگل‌ها و افزایش فشارها خواهد شد که امیدوارم مسئولین در این موارد تجدیدنظر و بازنگری کنند.